



بنیادی آبرومند که

وظیفه سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) را بجای آورد

ربودن منصور اسانلو بازتابی از وضعیت رو به وخامت رژیم و تعرض گسترده به جنبش کارگری!

از سال ۱۹۷۵ سیا باز هدف بررسی و کاوش سنای ایالات متحده، به ویژه در باره دست داشتن در دسیسه چینی ها و جنایت هائی شد که علیه چندین رهبر سیاسی در سرتاسر جهان انجام داده بودند (پاتریس لومومبا، سالوادور آلنده، آقای فیدل کاسترو). به موازات آن، پیشرفت جنبش های گوناگون انقلابی در آفریقا و آمریکای لاتین، واشنگتن را ناگزیر به پذیرش این نکته ساخت که هرچند کار رخنه دادن عوامل خودی در سازمان های «جامعه مدنی» هنوز هم عاملی سرنوشت ساز است اما راهی را که پیش گرفته اند راه درستی نیست.

نوشته: Hernando Calvo OSPINA

بنیادی آبرومند که وظیفه سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) را بجای آورد

از کارائیب تا افغانستان با گذار از اروپا

ایران، شیلی، نیکاراگوئه ... از سال ۱۹۵۰ به این سو جنگ های «کثیفی» که سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) براه انداخته، همواره نقل گزارش ها بوده و هنگامی که فاش گردیده گاه در خود ایالات متحده هم رسوائی به بار آورده است. رئیس جمهور رونالد ریگان با ایجاد بنیاد ملی دموکراسی، واشنگتن را از ابزاری برخوردار ساخته که کمتر از سیا به چشم می خورد و به ویژه کمتر محل بگومگو بوده است.

ادامه در صفحه ۳

اخبار منتشره حاکی از آن است که رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد ۱۹ تیرماه ساعت ۷ شب پس از بحث و گفتگو با عده ای از کارگران شرکت واحد پیرامون تدارک برگزاری مجمع عمومی این سندیکا و در بازگشت به منزل خود توسط افرادی که بی شک و شبهه از ماموران امنیتی جمهوری اسلامی بوده اند ربوده شده است و هنوز از سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست. تاکنون تلاش خانواده و وکلای وی و نیز تلاش فعالین کارگری برای اطلاع از علل و عوامل دستگیری و محل نگهداری وی به جانی نرسیده است و طبق گفته مقامات قضائی گویا هیچ گونه حکم بازداشتی برای او صادر نشده بوده است.

منصور اسانلو یکی از رهبران جنبش سندیکائی کارگران شرکت واحد تاکنون بارها به خاطر فعالیت های موثر سندیکائی خود بازداشت و توسط عوامل رژیم مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

بازداشت چندین باره او در شرایطی انجام میگیرد که یورش سرکوبگرانه رژیم به دانشجویان، زنان و جوانان و کارگران هرروز شدید تر و گسترده تر میشود. محمود صالحی و عده دیگری از کارگران و دانشجویان زنان و جوانان و روشنفکران در زندان به سرمیبرند

کسترش ابعاد فیلترینگ سایت ها، توقیف روزنامه ها و مطبوعاتی که خود اجازه انتشار آنها را صادر نموده و در چهارچوب محدودیت های اعمال شده به انتشار اخبار و احادیث می پرداختند، شمه ای از حکومت نظامی اعلان نشده ای است که رژیم حاکم در ترس و واهمه از گسترش اعتراضات توده ای بر جامعه حاکم نموده است. فلتترینگ و یا بستن نشریات منعکس کننده اخبار کارگری، نظیر خبرگزاری ایلنا، ربودن اسانلو، بازداشت و احضار فعالین کارگری، ایجاد جو ترور در کارخانه ها و محیط های کارگری و یورش همزمان به نهاد های دانشجویئی، نشان از دور دیگر برنامه سرکوبگریهای رژیم است که نوک تیز حمله آن جنبش کارگری را نشانه رفته است.

ادامه در صفحه ۲

اخبار کارگری در صفحه ۲ و ۸

رئیس و نعرض گسترده به جنبش کارگری! رئیس و نعرض گسترده به جنبش کارگری!

تردیدی نیست که تعرضات سرکوبگرانه رژیم را تنها با تعرض متقابل جنبش کارگری و دانشجویان، زنان و سایر توده های زحمتکش مردم میتوان پاسخ داد و آنها را وادار به عقب نشینی نمود.

برای تعرض متقابل آرایش نوینی از نیروها و فعالین جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، بیکاران، معلمان، کارمندان حرکت ملیت های تحت ستم و استثمار و سایر اقشار زحمتکش مردم ضروریست. جادارد کارگران پیشرو و سوسیالیست احزاب و سازمانهای انقلابی و کمونیست و انسانهای آگاه و مبارز ارزیابی دقیق و علمی از وضعیت فعلی و چشم انداز آینده به عمل آورند. نیرو و توان خود را صرف سازماندهی و ارتقای سطح کمی و کیفی جنبش کارگری و جنبش ها و حرکتهای انقلابی اقشار مختلف مردم بنمایند و با پرهیز از خورده کاری و دنباله روی از سیر حوادث راه کارهای عملی برای مواجهه با تحولات آتی ارائه دهند.

مبار دیگر همه کارگران پیشرو و احزاب و سازمانهای انقلابی و افراد و تشکلهای کارگری را به اقدامات عملی برای آزادی اسانلو و سایر زندانیان سیاسی و مقابله با تعرضات جدید رژیم فرا میخوانیم. کارگران

نماینده کارگران

**کارخانه چیت سازی بهشردوباره راه اندازی شد
۲۶۲ کارگر این واحد ۰۷ ماه است حقوق نگرفته اند**

نماینده کارگران کارخانه نساجی چیت سازی بهشردوباره گفت: با تصمیم کمیته کار گروه ساماندهی کارخانه چیت سازی مستقر در فرمانداری بهشرد، خطوط تولید این واحد دوباره تولید را از سر گرفت.



Photo: Sahar Pourabdollah

عنایت طالبی، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: بر اساس تصمیم این کمیته کارگروه که کارفرمای کارخانه چیت سازی نیز عضو آن بود، در فاز اول بخشی از ضایعات این واحد و دستگاههای فرسوده خطوط تولید به مزایده گذاشته شد و به مبلغ ۰۰۳ میلیون تومان

پیشرو، دانشجویان و جوانان انقلابی و رهبران عملی جنبشهای اجتماعی میباید با هشیاری و اتخاذ روش ها و برنامه ها و تاکتیک های مناسب خود تعرضات رژیم را پاسخ داده و آنها را به عقب نشینی وادار نمایند.



حقوقی نگرفته اند و از نظر وضعیت مالی در شرایط سختی به سر می برند که می بایست کارفرما در صدد پرداخت مطالبات آنان باشد. وی افزود: خوشبختانه مدیر کارخانه چیت سازی همکاری بسیار خوبی با کمیته کار گروه فرمانداری برای راه اندازی خطوط تولید واحد داشته و می بایست از جانب کارگران نهایت قدردانی را ابراز کنم. طالبی گفت: با شروع فعالیت خطوط تولید، کارگران بلا تکلیف این واحد پس از چندین ماه متوالی دوباره مشغول کار شده و می شوند و امیدواریم با همکاری کارفرما بتوانیم تولیدی با کیفیت مطلوب و مستمر داشته باشیم.

به فروش رفت. وی گفت: این پول می بایست با نظارت کمیته کارگروه ساماندهی کارخانه چیت سازی، برای پرداخت بدهی

به تامین اجتماعی و برخی ادارات، اشخاص حقیقی، خرید مواد اولیه و نیز بخشی از مطالبات کارگران هزینه شود. نماینده کارگران تصریح کرد: در حال حاضر

مقداری مواد اولیه برای خطوط تولید این واحد خریداری شده و کارگران مشغول کار هستند که به مرور زمان فعالیت تولید و کار افزایش خواهد یافت.

طالبی خاطر نشان کرد: کارخانه چیت سازی ۲۶۲ کارگر دارد که حدود ۰۷ ماه است هیچ

اما هدف همان است: بی ثبات کردن حکومت هائی که دوست ایالات متحده به شمار نمی آیند از طریق فراهم آوردن پول برای مخالفان. « بیست و پنج سال پیش از این بخش بزرگی از آنچه را که ما امروز به آن دست می زنیم سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) مخفیانه انجام می داد (۱)». مردی که روزنامه واشنگتن پست اعتراف شگفت انگیز وی را در شماره ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۱ خود نقل کرده تاریخدانی است که الن واین شتاین نام دارد و نخستین رئیس یک انجمن آمریکائی غیر انتفاعی بنام بنیاد ملی دموکراسی بود. این بنیاد با هدف های خصوصاً بلندای چون ترویج و اعتلاء حقوق بشر و دموکراسی یا به میدان نهاده، و با اینهمه از همین بنیاد است که وی در بیانیه خود سخن می راند.

هنوز بنیاد ملی برای دموکراسی به وجود نیامده بود که همین روزنامه در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۶۷ از یک رسوائی باطنینی بین المللی پرده برداشت: سازمان مرکزی اطلاعات در کشورهای بیگانه پول در اختیار اتحادیه های کارگری، سازمان های فرهنگی، رسانه ها و همچنین روشنفکران سرشناس می نهاد. همچنین با انتشار همین مقاله آگاهی یافتیم که چگونه پول بدست آنها می رسیده است. همانگونه که آقای فیلیپ اگی مامور پیشین «شرکت [سیا]» تأیید کرده است، «سیا از بنیادهای سرشناس آمریکائی اما همچنین از واحد های دیگری نیز بهره می جست که برای تحقق این هدف فقط روی صفحه کاغذ و نه در دنیای واقع پدید آورده بودند (۲)».

لیندون جانسون رئیس جمهور آمریکا که به خوبی می دانست از آغاز تشکیل سازمان مرکزی اطلاعات در سال ۱۹۴۷ وظیفه انجام این گونه کارها را برعهده آن نهاده بودند برای کاهش فشارها درخواست انجام بررسی و کاوشی در این باره کرد. «سیاستمداران ما به عملیات مخفی روی آورده بودند تا مشاوران و ابزار و وسائل و جوهی را به قصد حمایت از رسانه ها و احزاب سیاسی اروپا گسیل دارند زیرا حتی پس از جنگ جهانی دوم، متفقین ما با تهدید های سیاسی دست و پنجه نرم می کردند (۳)». در حالی که جنگ سرد آغاز می شد موضوع بر سر پایداری در برابر «سلطه عقیدتی» اتحاد شوروی بود.

در برخی موارد، سازمان هائی که پول گرفته بودند موفق شدند مخالفان حکومت های دوست واشنگتن را تضعیف کنند یا حتی از میان بردارند و نیز توانستند همزمان فضائی مساعد مصالح آمریکا پدید آورند. شیوه سست کردن

پایه های حکومت های [ناخوش آیند برای آمریکا] در خدمت سرنگونگی دولت ها قرار گرفته بود، مانند کودتای سال ۱۹۶۴ علیه خوانو گولارت رئیس جمهور برزیل. سرنگون ساختن سالودور آلنده رئیس جمهور شیلی در سپتامبر ۱۹۷۳ ثابت کرد که کاخ سفید دست از فعالیت های خود برنداشته است. آقای آگی تصریح کرده است که «برای مهیا کردن زمینه برای نظامیان هزینه نیروهای سازمان های مهمی از جامعه مدنی و رسانه ها را پرداختیم و آنها را به مسیر دلخواه کشانیدیم. این روش نسخه بهبود یافته کودتای برزیل بود».

از سال ۱۹۷۵ سیا باز هدف بررسی و کاوش سنای ایالات متحده، به ویژه در باره دست داشتن در دسیسه چینی ها و جنایت هائی شد که علیه چندین رهبر سیاسی در سرتاسر جهان انجام داده بودند (پاتریس لومومبا، سالوادور آلنده، آقای فیدل کاسترو). به موازات آن، پیشرفت جنبش های گوناگون انقلابی در آفریقا و آمریکای لاتین، واشنگتن را ناگزیر به پذیرش این نکته ساخت که هرچند کار رخنه دادن عوامل خودی در سازمان های «جامعه مدنی» هنوز هم عاملی سرنوشت ساز است اما راهی را که پیش گرفته اند راه درستی نیست. بیاد می آوریم که در آن زمان «برای پیش بردن نبرد اندیشه ها در سراسر دنیا، دولت جانسون (...) توصیه کرده بود که ساز و کاری دولتی- خصوصی» به قصد تأمین آشکار هزینه های عملیات خارج از کشور بر پا شود (۴)».

چنین بود که در سال ۱۹۷۹ ائتلافی از احزاب دموکرات و جمهوری خواه، رهبران اتحادیه ها و کار فرمایان، دانشگاهیان محافظه کار و نهادهای وابسته به امور خارجه در چهارچوب تشکیلاتی به نام بنیاد سیاسی آمریکا به وجود آمد. الگوی آنرا از آلمان غربی وارد کرده بودند که پس از جنگ هزینه های بنیاد های وابسته به چهار حزب رسمی (۵) که بنام شتیفتونگ شناخته می شوند، به ویژه بنیاد کنراد ادنائر وابسته به حزب دموکرات مسیحی را دولت آن کشور همچون ابزارهای جنگ سرد تأمین می کرد.

در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۳ رئیس جمهور رونالد ریگان فرمان سری ابلاغ راهکارهای امنیت ملی شماره ۷۷* را امضاء کرد. در این فرمان دستور داده آنچه را که وی در سخنرانی خویش در برابر مجلس بریتانیا در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۸۲ اعلام کرده بود به اجرا درآورند: «ایجاد زیر بنائی برای ادای بهتر سهمی به تلاش جهانی برای برپائی دموکراسی (۶)». فرمان مزبور گوشزد کرده بود که بدین منظور باید «کوشش های (دیپلوماتیک، اقتصادی، نظامی) که در زمینه سیاست خارجی به عمل می آید به شیوه ای تنگاتنگ هماهنگ گردد و در ساختار مناسبات

فشرده ای با بخش هائی چون کار، تجارت، دانشگاه ها، انسان دوستی، احزاب سیاسی، مطبوعات (...) در جامعه آمریکا گنجانده شود».

ریگان بدون آنکه ذکرى از این فرمان به میان آورد پیشنهادی از بنیاد سیاسی آمریکا را بنام «برنامه دموکراسی به کنگره سپرد». بدینگونه روز ۲۳ نوامبر ۱۹۸۳ لایحه ایجاد بنیاد ملی دموکراسی به تصویب قانونی رسید. روز ۱۶ دسامبر همان سال طی «مراسمی» که به این مناسبت در کاخ سفید برپا کرده بودند، رئیس جمهور اعلام کرد: «این برنامه در سایه نخواهد ماند. در پرتو نورافکن ها با غرور به خود خواهد بالید. (...) و پر واضح است که با مصالح ملی ما سازگار خواهد بود (۷)».

بنیاد ملی دموکراسی را ستون چهارگانه ای برپا نگه می دارد که مسئولیت مدیریت آن نیز با آنهاست. موسسه اتحادیه کارگری آزاد که شعبه مرکز سندیکائی ادغام یافته فدراسیون آمریکائی کار و کنگره سازمان های صنعتی است، که سپس نام مرکز آمریکائی برای همبستگی بین المللی کارگر را بر خود نهاد. این تشکیلات پیش از تأسیس بنیاد ملی دموکراسی هم وجود داشت. سه موسسه دیگر بطور موقت و برای منظوری خاص ایجاد شده اند: مرکز بنگاه های خصوصی اقتصادی بین المللی وابسته به اتاق بازرگانی، موسسه بین المللی جمهوریخواه وابسته به حزب جمهوریخواه و موسسه ملی دموکراتیک وابسته به حزب دموکرات.

دلارهایی که علیه سانددینست ها خرج شد هرچند از لحاظ حقوقی بنیاد ملی دموکراسی انجمنی خصوصی است اما هزینه های آن را در ردیف بودجه وزارت امور خارجه گنجانده اند و با اینهمه تخصیص آن منوط به تصویب کنگره است. به این ترتیب دولت رسماً از هرگونه مسئولیتی شانه خالی می کند (۸)، اما این وضعیت حقوقی مزیت دورانیشانه دیگری نیز دارد. به عقیده ویلیام بلوم کارمند پیشین وزارت امور خارجه، سازمان های «غیر دولتی جزو انگاره و افسانه اند (...) آنها تنها در برجای داشتن آن اندازه اعتباری سهم اند که یک بنگاه رسمی در خارج از کشور نمی تواند بدان دست یابد (۹)».

در اکتبر سال ۱۹۸۶ طین یک رسوائی پایه های دستگاه ریگان را به لرزه در آورد: تأمین قانون شکنانه هزینه های نبرد علیه دولت سانددینست نیکاراگوئه که از درون کاخ سفید به ویژه از محل وجوه گرد آمده از قاچاق کواکئین سازمان یافته بود. چه تصادفی که تمامی شالوده این طرح را که سرهنگ اولیور نورث زیر نظر شورای امنیت ملی هماهنگ کننده آن بود «برنامه دموکراسی» نام نهاده بودند ... بنیاد ملی دموکراسی نقش پیشگامی در آن عملیات

بازی کرد (۱۰). عجیب آنکه کاوش و بررسی را فقط در باره امور مالی دستگاه نظامی ضد انقلابیان نیکاراگوئه (کتترا) متمرکز ساختند و توجه کمتری به این سازمان «غیر دولتی» نشان دادند که با اینهمه از همان بدو پیدایش تا سال ۱۹۸۷ زیر نظارت والتز ریموند مسئول عالی‌رتبه سیا و عضو دایره اطلاعاتی شورای امنیت ملی قرار داشت.

پورگ ماس کانوسا رئیس وقت بنیاد ملی آمریکا و کوبا، سازمان افراطی ضد کاسترو که شورای امنیت ملی در همان مقطع تأسیس بنیاد ملی دموکراسی به وجود آورده بود تصریح دارد که «بنیاد ملی دموکراسی که وارث "برنامه دموکراسی" رونالد ریگان است امکانات مالی فراوانی برای گروه‌های آمریکای لاتینی از جمله بنیاد ملی آمریکا و کوبا فراهم آورده (۱۱)». در پس شعار «آزادی کوبا از نیکاراگوئه می‌گذرد» بنیاد ملی آمریکا و کوبا علیه ساندنیست‌ها دست به کار شد. ماس کانوسا در ادامه گفته است که «این همگامی هنگامی پدیدار شد که تئودور شاکلی، معاون پیشین دایره عملیات سیا و رئیس بخش سرویس‌های مخفی از اعضای بنیاد خواست که از سیاست آمریکای مرکزی [ایالات متحده] پشتیبانی کنند...»

از سال ۱۹۸۷ و در هنگامه همین رسوائی بود که بنیاد ملی دموکراسی پا به میدان نهاد. دلارهایش کار برپا ساختن جبهه سازمان‌های ضد ساندنیست‌ها را به پایان برد، که حتی کمیسیون دائمی حقوق بشر (نیکاراگوئه) نیز بخشی از آن بود. به یاری این گونه پشتیبانی‌ها خانم ویولتا شامورو، نامزد برگزیده واشنگتن و صاحب امتیاز روزنامه «مستقل» لاپرنسا در سال ۱۹۹۰ به مقام ریاست جمهوری این کشور رسید. با اجرای الگوی نئولیبرال همه کوشش‌های ساندنیست‌ها به نفع مردم دود شد و به هوارفت ...

تمام قریحه‌هایی که بنیاد ملی دموکراسی در رساندن پول به مصارف دلخواه، پدید آوردن سازمان‌های غیر دولتی، انجام شیوه‌های دست‌برد در نتایج انتخابات و کوشش در سم‌پاشی‌های رسانه‌ای از خود نشان داده، همه و همه مدیون تجربه اندوزی‌های بزرگ سازمان سیا، شعبه وزارت امور خارجه مسئول همکاری (یواس‌اید) و بسیاری از چهره‌های «نخبه» محافظه‌کار دست‌اندر کار سیاست خارجی ایالات متحده است (۱۲). حکومت ریگان جدا از وسائل و ابزارهای تروریستی از همین شیوه‌ها در کشورهای اروپای شرقی بهره‌می‌گرفت، یعنی «براه اندازی جنگ‌های اعتقادی به دست سازمان‌های غیر دولتی برای دستیابی به حقوق بشر و دموکراسی، که چون مقصود از آنها برآوردن مستقیم نیازهای مخالفان و اصلاح طلبان سراسر جهان بود کمتر امپریالیستی می‌

نمود (۱۳)». در این کشورهای برخوردار از «سوسیالیزم حقیقی» شکاف میان فرمانروایان و مردم کار بنیاد ملی دموکراسی و شبکه سرهم‌بندی شده سازمان‌های آنرا تسهیل می‌کرد که به لطف دلارها و تبلیغاتش هزاران «مخالف» از آستین بدر می‌آورد. وقتی تغییرات مطلوب بدست می‌آمد، بسیاری از آنها، نظیر سازمان‌های ریز و درشتشان بدون کوچکترین فخری از دور ناپدید می‌شدند.

در میان پیروزی‌های تاریخی که به رخ می‌کشند لهستان را می‌توان یافت. از همان سال ۱۹۸۴ هم بنیاد ملی دموکراسی برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری، روزنامه‌ها و گروه‌های مدافع حقوق بشر «کمک‌های مستقیمی» به این و آن می‌داد. البته به گفتن نیازی ندارد که همه اینها را «مستقل» می‌نامیدند. در مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۸۹ بنیاد ملی دموکراسی ۲/۵ میلیون دلار به جنبش سولیدارنوش [همبستگی] که لش‌والزا آنرا رهبری می‌کرد بخشید. همان سال وی به قدرت رسید و از همپیمان توانمند واشنگتن شد (۱۴).

هرچند بنیاد ملی دموکراسی را در چهارچوب زرادخانه آمریکا برای «جنگ سرد» تعبیه کرده بودند، اما فروپاشی بلوک سوسیالیستی اروپائی پیش درآمد اشاعه جهان‌گستر آن بود. از همین رو به لطف دلارها و شماری «متخصص» توانست در پوشش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ۹۰ کشور در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیا و اروپای شرقی رخنه کند. همچنانکه جرالد سوسمن پژوهشگر می‌گوید مداخله در انتخابات کشورها «برای دستیابی به هدف‌های کلان ایالات متحده بسیار مهم است». بنیاد ملی دموکراسی و تشکیلات دیگر آمریکائی خود را چون شریکی در «پایه‌ریزی دموکراسی» جلوه می‌دهند. با اینهمه سوسمن خاطر نشان می‌سازد که اگر «این تشکیلات در مقام مقایسه با سیا تا سال‌های دهه ۱۹۷۰ در واقع به شیوه‌ای کمتر خشونت‌بار دست به عمل می‌زنند، اشکال دستکاری در انتخابات که امروزه به آن می‌پردازند جلوه‌گاه صحنه‌گردانی اخلاقی و نمایش‌آفرینی سیاسی است (۱۵)».

در جریان انتخابات سال ۱۹۹۰ در هائیتی بنیاد ملی دموکراسی نزدیک به ۳۶ میلیون دلار برای پشتیبانی از نامزدی مارک بازین کارمند پیشین بانک جهانی مایه گذاشت. به رغم چنین کمکی آقای ژان برتران اریستید بود که بسیار جلوتر از وی از این انتخابات پیروز بیرون آمد. وی روز ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۱ به دنبال حملات مطبوعاتی که باز هم بنیاد ملی دموکراسی و نیز موسسه عمران بین‌الملل ایالات متحده (یواس‌اید) هزینه آنرا تأمین کرده بودند سرنگون شد. رژیم خودکامه‌ای که پس از وی سرکار آمد تقریباً ۴ هزار کشته به جای گذاشت ...

بنیاد ملی دموکراسی در طول اولین دهسال هستی خود «این چنین با پخش ۲۰۰ میلیون دلار از طریق یک هزار و پانصد طرح به جریان پشتیبانی از رفقای آمریکا پیوسته است (۱۶)». از سال ۱۹۹۸ بنیاد ملی دموکراسی به ونزوئلا هم علاقه فراوانی پیدا کرده است. به گفته آقای اگی «اینها عملیاتی بی‌سر و صدا علیه انقلاب بولیواری به شمار می‌رود. این عملیات با رئیس جمهوری [ویلیام] کلینتون آغاز شد و با [جرج دبلوی] بوش پسر شدت گرفته است. همه اینها به اقداماتی می‌ماند که علیه ساندنیست‌ها هم به راه انداختند: "ترویج دموکراسی، سامان دادن به ستیزه‌ها، نظارت بر انتخابات و تحکیم حیات مدنی"، اما بدون آنکه تا بحال تروریسم و یا تحریم اقتصادی را در دستور کار خود نهاده باشند». اوا کولینگر وکیل دعاوی آمریکائی در اسناد رسمی کشف کرده است که بنیاد ملی دموکراسی و مؤسسه عمران بین‌الملل ایالات متحده میان سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ بیش از ۲۰ میلیون دلار به گروه‌های مخالف و رسانه‌های خصوصی ونزوئلائی پرداخته‌اند (۱۷). قبل از آنهم روزنامه نیویورک تایمز در ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ (چند روز پیش از کودتای نافرجام علیه رئیس‌جمهور هوگو چاوز) افشا کرده بود که چند ماه پیش از کوشش برای سرنگونی چاوز بودجه بنیاد ملی دموکراسی که به این کشور اختصاص یافته به دستور کنگره چهار برابر شده بود.

با اینهمه در نبرد علیه رژیم کوبا است که بنیاد ملی برای دموکراسی بیشترین پشتکار را بروز داده است. در طول بیست سال گذشته، سوای شصت و پنج میلیونی دلاری که موسسه عمران بین‌الملل ایالات متحده از سال ۱۹۹۶ از کیسه خود خرج کرده است گویا این بنیاد حدود بیست میلیون دلار برای ترویج «گذار مردمسالارانه» در این کشور سرمایه‌گذاری کرده باشد. واشنگتن بر سودمندی غائی انتخابات «دموکراتیک» اصرار می‌ورزد اما از متن قانون توریچلی (لایحه دموکراسی برای کوبا ۱۹۹۲) گرفته تا قانون هلمز-برتون (لایحه آزادی و همکاری دموکراتیک برای کوبا، ۱۹۹۶) و تا کمیسیون کمک‌رسانی به کوبای آزاد (کمیسیون کمک به کوبای آزاد، مه ۲۰۰۴)، همه این متون رسمی آشکارا تصریح کرده‌اند که برگزیدگان باید مورد پسند واشنگتن باشند. تقریباً تمام این وجوه در دست سازمان‌های ضد انقلابی در ایالات متحده و اروپا باقی مانده‌اند. از زمانی که حکومت‌های لهستان، رومانی، و چک سردمدار فشار‌های بین‌المللی علیه کوبا شده‌اند بخش کلانی از این پول‌ها عمدتاً به آنها می‌رسد. فقط در سال ۲۰۰۵ بنیاد ملی دموکراسی ۲/۴ میلیون دلار در راه این هدف به حساب

های آنها واریز کرده است (۱۸).

انتخابات و کسب و کار باید دوش بدوش هم پیش بروند. واشنگتن دموکراسی را این چنین در می یابد. روز ۲۰ ژانویه ۲۰۰۴ رئیس جمهور هنگام سخنرانی سالانه خود در باره وضعیت کشور اعلام کرد که شاید از کنگره بخواهد تا بودجه بنیاد ملی دموکراسی را به دوبرابر افزایش دهد تا بنیاد مزبور بتواند در زمینه «ترویج انتخابات آزاد، مبادله آزاد تجاری، آزادی مطبوعات و آزادی اتحادیه های کارگری در خاورمیانه» نوآوری کند. یعنی به قصد آنکه پردازش عقیدتی همگام و همراه عملیات نظامی بشود. بنیاد ملی دموکراسی تا آنوقت در آن گوشه از جهان حضور چندانی نداشت. در سال ۲۰۰۳ شبکه آن از افغانستان سر درآورد. بر روی سامانه اینترنتی این بنیاد می توان خواند که تصمیم گرفته است که «داد و ستد را برقرار و استوار سازد تا به ریختن شالوده دموکراسی و اقتصاد بازار کمک برساند.» برای آماده کردن زمینه آن بنیاد به «زنجیره ای از سازمان های غیر دولتی نوزاد کمک» می رساند.

با هدف هائی مشابه به سازمان های دیگر غیر دولتی در عراق نیز، به خصوص در شمال این کشور اشغال شده پول داده اند. مانند دیگر جاها سازمان های محلی برخوردار از حمایت بنیاد ملی دموکراسی به سرعت به آن وابسته می شوند و زیر بیرق «نبرد برای استقرار دموکراسی»، برای نظامی به کار می پردازند که منافع آن به ندرت با مصالح مردم خویش همخوانی دارد.

سالی یک بار و یا به درخواست نمایندگان، رئیس بنیاد ملی دموکراسی باید به کمیته روابط خارجی سنا حساب پس بدهد که این ترتیب موردی یگانه برای «سازمانی غیر دولتی است». روز ۸ ژوئن ۲۰۰۶ آقای کارل گرشن (رئیس بنیاد ملی دموکراسی از سال ۱۹۸۴) بر نیازی اضطراری اصرار ورزید که برای افزایش بودجه «کمک به دموکراسی» وجود دارد. وی خاطرنشان ساخت که در روسیه، روسیه سفید، ازبکستان، ونزوئلا، مصر و نیز سازمان های غیر دولتی به امکانات اضافی نیازمندند زیرا رویاروی حکومت های «نیمه خودکامه ای» ایستاده اند. روز ۷ دسامبر هنگام کنفرانس «ترویج دموکراسی: روش اروپائی آن» وی عملاً همان سخنان را در پیشگاه پارلمان اروپا به زبان آورد.

به عقیده ویلیام بلوم بستر فکری بنیاد ملی دموکراسی بر این اندیشه تکیه دارد که جوامع «برخوردار از بنگاه های اقتصادی آزاد، همکاری میان طبقات اجتماعی (...)، دخالت کاهش یافته دولت در اقتصاد (...)) کار کرد بهتری دارند. «اقتصاد بازار را با دموکراسی و اصلاحات و رشد،

یکسان پنداشته اند؛ فضایل سرمایه گذاری های خارجی را به رخ می کشند. (...) گزارش های بنیاد ملی دموکراسی بر «دموکراسی پافشاری سفت و سختی می کنند، اما خواسته آنها رویه های حداقل دموکراتیک و نه یک دموکراسی اقتصادی است زیرا هیچ چیزی نباید تهدیدی بر قدرت های مختار باشد (...). ملخص سخن آنکه برنامه های بنیاد ملی برای دموکراسی با نیازها و هدف های بنیادین جهانی کردن اقتصاد و نظم نو بین المللی هماهنگی دارد.»

افزار جنگی فراگیر
رئیس جمهور جرج بوش پدر در سپتامبر ۱۹۸۹ در برابر مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصریح کرد که چالشی که پیش روی «جهان آزاد» قرار دارد استوار ساختن «شالوده های آزادی» است. سال پیش از آن پارلمان کانادا به ترغیب واشنگتن بنیادی همگون با بنیاد ملی دموکراسی پدید آورده بود که نام حقوق و دموکراسی را بر خود داشت. در سال ۱۹۹۲ پارلمان بریتانیا با الگوئی همانند بنیاد وست مینیستر برای دموکراسی را رسمیت بخشید. سپس نوبت به سوئد با مرکز بین المللی لیبرال سوئد رسید و هلند (بنیاد الفرد موزر) و فرانسه (بنیاد های روبرت شومن و ژان ژورس وابسته به حزب سوسیالیست) نیز تشکیلاتی از همان سنخ تاسیس کردند. شبکه بنیاد های بنیاد ملی دموکراسی شکل گرفت.

در این چهارچوب یک خزانه اطلاعاتی برای طرح های دموکراسی پدید آورده اند که «کم و بیش ۶ هزار طرح» سازمان های غیر دولتی در جهان را هماهنگ می سازد. بنیاد ملی دموکراسی همچنین در قلب شبکه موسسه های پژوهشی دموکراسی (۱۹) قرار دارد که «نهادهای مستقل وابسته به احزاب سیاسی، دانشگاه ها، اتحادیه های کارگری و جنبش های هوادار دموکراسی و حقوق بشر» را در بر می گیرد. هدف این شبکه آسان کردن تماس «میان فرهیختگان و مبارزان راه دموکراسی» است. از سوی دیگر بنیاد ملی دموکراسی دبیرخانه مرکز بین المللی یاری رسانه ای را در خود جا داده که «طرحی است که فراهم آوردن شماری از خبرگان رسانه ها را با هدف تقویت پشتیبانی از مطبوعات آزاد و مستقل در جهان پیشنهاد خود ساخته (۲۰)». بر روی سامانه اینترنتی رسمی وزارت امور خارجه، آقای گرشن اعلام کرده است که تمام این بنیاد ها، اشخاص و سازمان ها همگرا به سوی «پدید آوردن یک جنبش جهانی طرفدار دموکراسی» پیش می روند. «شبکه ای دربرگیرنده شبکه ها» که بنیاد ملی دموکراسی کانون آن است. بنیاد های دیگری هم به این طرح پیوسته اند، مانند بنیاد فردریخ ابر از آلمان، مرکز بین المللی اولوف پالمه از سوئد،

موسسه کارل رنر از اتریش، بنیاد پابلو ایگله زیاس، وابسته به حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا.

در سال ۱۹۹۶ بنیاد ملی دموکراسی برای توجیه افزایش بودجه خود گزارشی خصوصاً «تابناک» به کنگره تسلیم کرد: «جنگ فراگیر اندیشه ها به بزنگاه خود رسیده است. در عصری که مصالح و ارزش های ایالات متحده از یورش بی امان عقیدتی نیروهای بی شمار خصم دموکراسی در جهان در رنج است (...). این کشور مجاز نیست از ابزاری چشم پوشی کند که در سیاست خارجیش چنان کارآمدی هائی دارند. رژیم های کمونیستی جان سخت، نو کمونیست ها، خودکامگان پرخاشگر، ملی گرایان افراطی و بنیادگرایان اسلامی همچنان تهدیدی برای ایالات متحده به شمار می روند. در چنین اوضاع و احوالی روا نیست که ایالات متحده میدان نبرد عقیدتی را به دشمنان جامعه ای باز و آزاد واگذارد. بنیاد ملی دموکراسی نیاز به تأمین پیگیر هزینه های خود دارد که در چشم انداز تضمین آینده [کشور] سرمایه گذاری محتاطانه ای است (۲۱)». سه سال بعد آقای بنجامین گیلمن، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان، بیشتر عناصر این گزارش را با همین هدف از آن خود ساخت.

دموکراسی، انتخابات آزاد، آزادی بیان ... همه اینها را آقای بلوم چنین ترجمه می کند: «آنچه کرده اند همه آن بوده است که فعالیت های بی شمار نفرت انگیز سیا را به سازمان تازه ای منتقل کنند که اسمش به گوش خوش می آید. پدید آوردن بنیاد ملی دموکراسی یک شاهکار سیاسی، روابط عمومی و بی ازرمی است (۲۲)».



اخبار کارگری

با رای هیات حل اختلاف ۵ کارگر کارخانه مازیان اخراج شدند و هنوز به پرونده ۸ کارگر دیگر اخراجی این کارخانه توسط اداره کار نوشهر رسیدگی نشده است.

— مجموعه کارخانه های نساجی آرام نخ، معاد نخ و مونا نخ ایلام به طور کامل تعطیل و ۷۰ کارگر بیکار شدند. کمبود نقدینگی، نبود همکاری بانک های عامل و مشکلات مالی علت اصلی تعطیلی این واحدها عنوان شده است.

— هیات های حل اختلاف اداره کار شهر تهران تاکنون علاوه بر تایید احکام اخراجی که در هیات های تشخیص این ادارات برای گروه ۵۴ نفری فعالان تعلیقی شرکت واحد صادر شده، برای ۴ کارگر دیگر حکم اخراج صادر کرد. همچنین در هفته گذشته یکی از سندیکالیست ها که برای پیگیری این پرونده به مراجع قضایی مراجعه کرده بود پس از بازداشت چندساعته آزاد شد.

— دوستان کارگر شاغل در صنایع چوب پونل ۳ ماه است حقوق دریافت نکرده اند. به گفته یکی از فعالان کارگری پاکدشت، کوتاهی در پرداخت حقوق قانونی کارگران در شرایطی صورت می پذیرد که تولید و فروش کارخانه مناسب بوده و مدیریت با پرداخت نکردن حق کارگران، نسبت به تکمیل و سرمایه گذاری در کارخانه اقدام کرده است.

— یک فعال کارگری در استان سمنان از ۳ ماه حقوق معوقه کارگران دیسکلنت خبر داد. او گفت چون کارگران می دانند شکایت فایده یی ندارد و ماه ها زمان می برد از انجام شکایت صرف نظر کرده اند.

— «کریمی» از فعالان کارگری استان قزوین گفت؛ مدیریت کارخانه «ایمن ظرف قزوین» با رد نکردن حق بیمه کارگران، گزارش ترک کار برای بعضی از آنان از بهمن ماه سال ۸۵ و گرفتن برگه سفید امضای تسویه سال ۸۶ با تهدید به اخراج، حقوق کارگران را تضییع می کند.

— یکی از مقامات کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرری از اعتراض بازنشستگان به دریافت حقوق توسط عابربانک ها خبر داده است. او می گوید؛ بسیاری از بازنشستگان

به دلیل کم سواد و کهنلت سن قادر به کار کردن با این دستگاه ها نیستند.

حکم حقوقی پرستاران صادر نشد.

معاون پشتیبانی سازمان نظام پرستاری، صادر نشدن احکام حقوقی پرستاران دانشگاه های علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی و تعدادی دیگر از دانشگاه های علوم پزشکی را سوال برانگیز خواند و گفت؛ با توجه به گذشت ۴ ماه از آغاز سال، این روند نگران کننده است.

مرحله دوم اخراج اتباع خارجی از ایران وزیر کشور با اشاره به آغاز مرحله دوم طرح بازگشت اتباع خارجی در چند روز آینده گفت؛ در این مرحله برای افرادی که امکان حضور در بازار کار ایران را دارند، هماهنگی های لازم با مراکز کاریابی انجام و اطلاعیه ان نیز صادر شده است.

هر سال ۴۵ هزار نفر به بیکاران کشور اضافه می شود.

ایسنا؛ سیدمحمد جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی با بیان اینکه در سال گذشته ۹۲۷ هزار نفر برای دریافت تسهیلات به صندوق امام رضا(ع) معرفی شده اند، گفت؛ در سرشماری سال ۸۵ تعداد بیکاران مطلق موجود ۱۱۰ هزار و ۳۱ نفر اعلام شده است که ۵۵ درصد آن در شهر و ۴۵ درصد آن در روستاها بوده اند و با توجه به هرم سنی جوانان در هر سال حداقل ۴۵ هزار نفر در سال به بیکاران کشور اضافه خواهد شد و از این لحاظ نرخ بیکاری با توجه به نرخ کاهش جمعیت ثابت خواهد ماند.

چاره ای جز خصوصی سازی نداریم .

ابوالقاسم حکیمی پور عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت؛ با توجه به شرایط کنونی بین المللی، اقتصاد کشور در حال حاضر راهی جز اجرای این برنامه ندارد.

با وجودی که خصوصی سازی از ارکان تعدیل اقتصادی است اما روند اجرایی شدن آن از ابتدا تاکنون کند بوده است. دخالت بیش از اندازه دولت در زمینه های اقتصادی در دولت های هفتم و هشتم مشکلاتی را برای اقتصاد کشور ایجاد کرده بود به نحوی که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای ارائه تسهیلات به ایران اشکال تراشی هایی را انجام می دادند. در زمان دولت هشتم مساله عضویت در سازمان تجارت جهانی مطرح شد که این امر به دلیل کم رنگ بودن فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی در کشور محقق نشد. دولت هشتم نیز برای رفع این مشکل در برخی از وزارتخانه ها کمیته هایی برای واگذاری شرکت های دولتی تشکیل داد. در حال حاضر نیز با وجودی که دستیابی به عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی از شعارهای این دولت است اما برخی از مخالفان فعالیت های اقتصادی

دولت را در جهت حرکت های سیاسی می دانند. دولت نهم معتقد است انجام واگذاری ها نباید با سرعت انجام شود و تا سال ۱۴۰۴ می توان این امر را ادامه داد و این امر سبب شده تا شتابی برای واگذاری شرکت ها نداشته باشد. دولت نهم همچنین معتقد است بخش خصوصی به دلیل عدم توسعه اقتصادی کشور پس از تصدی شرکت ها برای دستیابی به سود بیشتر اقدام به افزایش قیمت خدمات و کالاها خواهند کرد. دولت نهم شرایط کنونی اقتصاد کشور برای انتقال سریع فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی را مناسب نمی داند. دولت در زمان حاضر بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی را در بخش های مختلف اقتصادی به صورت متوازن اجرایی نکرده است. ایجاد معاونت هایی خاص در وزارتخانه های مختلف کشور برای اجرای برنامه های خصوصی سازی ضروری است. این معاونت ها می توانند با ارزیابی مناسب معایب و مزایای وزارتخانه مربوطه را مشخص و وضعیت نیروی انسانی و نرخ بیکاری احتمالی را پس از انجام واگذاری محاسبه کنند. در مورد شرکت های زیان ده نیز باید گفت که واگذاری این شرکت ها باید به صورت تدریجی باشد به نحوی که ابتدا ۵۰ درصد از سهام آنها به بخش خصوصی واگذار شود. البته امکان تغییر و تحول مدیریتی در بخش خصوصی بیشتر از بخش دولتی است. این امر امکان سوددهی شرکت های ضررده دولتی را افزایش می دهد. تسهیل در سرمایه گذاری خارجی، تغییر هدف سازمان های دولتی و استفاده از سرمایه های ایرانیان خارج از کشور برای بهبود روند فعالیت های اقتصادی شرکت های ضررده و افزایش میزان سوددهی آنها مناسب است.

اعتراض انجمن دارو سازان

دبیر انجمن داروسازان ایران بر اشتباه بودن محاسبات در حذف تعرفه از نسخه های کمتر از ۴۰۰ تومان تاکید کرد. دکتر سعید واقفی با اشاره به اعتراض انجمن داروسازان به این مصوبه و پیگیری آن از طریق سازمان نظام پزشکی کشور افزود؛ در نامه یی که به سازمان نظام پزشکی نوشته ایم، این موضوع تشریح و پیامدهای آن ذکر شده است.

افزایش بزهکاری نوجوانان

افت تحصیلی و نبود برنامه های اوقات فراغت، بزهکاری نوجوانان را ۱۵ درصد افزایش داده است. افت تحصیلی پایه اول متوسطه ۲۵ درصد افزایش یافته به گونه یی که اغلب این دانش آموزان مردود شده یا ترک تحصیل کرده اند و به طور حتم این امر را می توان در افزایش ۱۵ درصدی بزهکاری نوجوانان دخیل دانست.

کمبود نقدینگی، آجر ماشینی ارومیه را با بحران مواجه کرده است

ارومیه - خبرگزاری کار ایران

نماینده کارگران آذربایجان غربی گفت: کارخانه آجر ماشینی ارومیه به دلیل کمبود نقدینگی همچنان با بحران مواجه است. فرامرز نقش افکن، در گفت‌وگو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: کارفرمای این واحد بدهی سنگینی به بانک‌های عامل دارد که می‌بایست از جانب مسوولان مربوطه استان آذربایجان غربی چاره اندیشی شود. وی گفت: حدود ۲۰۰ کارگر آجر ماشینی ارومیه به علت کمبود نقدینگی و ناتوانی کارفرما در پرداخت حقوق، با مشکل مواجه شده‌اند. نقش افکن تصریح کرد: بسیاری از واحدهای استان آذربایجان غربی به دلیل کمبود نقدینگی و بدهی به بانک‌های عامل تعطیل شده و یا با بحران مواجه هستند. نماینده کارگران آذربایجان غربی افزود: از مسوولان استان به خصوص استانداری می‌خواهیم برای حل مشکلات واحدهای بحرانی و کارگران مساعدت و اقدام کنند.

یک فعال کارفرمایی در صنعت نساجی گفت: اگر مشکلات و موانع تولید در این رشته صنعتی برچیده شود، هر واحد نساجی می‌تواند تا دو برابر نیروی انسانی موجود را جذب کند. به گزارش خبرنگار کارگری «ایلنا»، محمد رحیم‌زاده با اشاره به اشتغال حدود نیم میلیون کارگر در صنعت نساجی کشور، تاکید کرد: اگر موضوع واردات و قاچاق منسوجات خارجی ساماندهی شود، قیمت مواد خام به‌ویژه مواد پتروشیمی کاهش یابد و قوانین پولی، بانکی و مالی مانع‌نوسازی و بازسازی واحدهای صنعتی نشود، می‌توان ظرفیت اشتغال در این صنعت را تا دو برابر مقدار موجود افزایش داد. وی با بیان اینکه صنعت نساجی در ایران به لحاظ برخورداری از پیشینه بومی و دسترسی آسان و ارزان به منابع سرشار انسانی و مواد خام و انرژی، می‌تواند یکی از معدود صنایع استراتژیک کشور باشد، افزود: از آنجا که اکثر واحدهای صنعتی به دلیل مشکلات تولیدی نمی‌توانند پاسخگوی کارگران خود باشند، با نصف ظرفیت تولید فعالیت می‌کنند. مدیر «کارخانه رحیم‌زاده اصفهان» با اشاره به تغییر و تحولاتی که بعد از انقلاب ۵۷ باعث دولتی شدن مدیریت کارخانه‌ها از جمله واحدهای نساجی کشور شده است، گفت: در طول سال‌های اول انقلاب و هشت ساله جنگ،

وی با بیان اینکه حتی تا چند ماه پیش کارخانه رحیم‌زاده برای دریافت تسهیلات بانکی مصوب مسوولان استانی در بانک‌های عامل سرگردان بود، گفت: این پول قرار بود بابت بازسازی، خرید مواد خام و پرداخت دستمزد کارگران هزینه شود که پس از مانع‌تراشی‌های بانک عامل و برهم خوردن محاسبات انجام شده، سرانجام این پول پرداخت شد. وی افزود: در حال حاضر در ازای دستگاه موجود در کارخانه، قریب ۳۰۰ کارگر در کارخانه رحیم‌زاده مشغول به کار هستند که چنانچه مشکلات تولید حذف شود، می‌توان تعداد کارگران این واحد را تا سقف ۶۰۰ نفر افزایش داد. پایان پیام

تحصیل حق کودکان کار

به گزارش روزنامه اعتماد؛ در تاریخ ۲۰ تیر ۸۶، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد طی یک نامه رسمی حمایت این سندیکا را از کودکان کار و خصوصاً کودکان مهاجر افغان اعلام کرد. منصور اسالو طی نامه‌ی بی‌به‌فعالان موسسه غیردولتی «جمعیت تلاش برای دفاع از جهان شایسته کودکان» تلاش این NGO برای انتشار نامه کودکان افغانی محروم از تحصیل، بر حق تحصیل رایگان مطابق بر قانون اساسی و قوانین بین‌المللی و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تاکید قرار داد. چندی پیش این NGO نامه‌ی را خطاب به وزیر آموزش و پرورش و با امضای دو هزار کودک افغان منتشر کرد و خواستار حق ادامه تحصیل این کودکان در ایران شد.

شرایط از نظر تسهیلات ملی و ارزی، بازار مواد خام و نیروی انسانی برای تولید سودآور و مفید بود اما متأسفانه مدیران دولتی آن طور که باید با دلسوزی کارخانه‌ها را اداره نکردند.

وی از وضعیت کارخانه رحیم‌زاده که بعد از انقلاب به مدت یک دهه تحت اداره مدیران دولتی قرار داشت، به عنوان نمونه یاد کرده و افزود: این واحد تولیدی که پیش از انقلاب با سابقه ۴۵ ساله به عنوان یک واحد موفق و سودآور در عرصه صنعت نساجی شناخته می‌شد، در سال ۵۹ تنها به دلیل آنکه بابت سود سالیانه به سهامداران بدهکار بود، تحت عنوان شرکت‌های زیان‌ده و بدهکار مصادره شد و اداره آن را برای یک دهه به مدیران دولتی سپردند و به جای آنکه در جهت رونق بیشتر کارخانه کار کنند، بیشتر به فرصت‌سوزی پرداختند. وی تاکید کرد: در نتیجه مدیریت غلط مدیران انتصابی سازمان صنایع ملی، ظرف یک دهه تعداد کارکنان این کارخانه از ۸۰۰ کارگر رسمی و قراردادی به یک هزار و ۲۰۰ کارگر قراردادی و رسمی افزایش یافت اما تولید روزانه آن از ۲۰ تن نخ خام و رنگ‌شده به هشت تن کاهش یافت.

رحیم‌زاده تاکید کرد: صرف‌نظر از این موضوع، در نتیجه عملکرد مدیران دولتی، کارخانه رحیم‌زاده که در سال‌های قبل از انقلاب در منطقه خاورمیانه نمونه کامل و بی‌رقیب یک واحد نساجی بود و رقابت تنگاتنگی با تولیدکنندگان اروپایی به‌ویژه کشور آلمان داشت، به واحدی تبدیل شد که پر از ماشین‌آلات فرسوده و لوازم یدکی بود اما انبارهایش مواد خام نداشت و حدود ۸۰۰ میلیون تومان نیز به سیستم بانکی کشور مقروض شد.

وی با بیان اینکه اکثر واحدهای نساجی که بعد از انقلاب زیر نظر مدیران دولتی اداره شده‌اند، وضعیتی مشابه نساجی رحیم‌زاده داشتند، افزود: در سال‌های اولیه دهه ۷۰ که جنگ پایان یافت و دوران سازندگی شروع شد، اکثر این کارخانجات نیازمند بازسازی بودند.

رحیم‌زاده تاکید کرد: هر چند در سال‌های نخستین پایان جنگ، به دلیل شروع نشدن معضل واردات و قاچاق منسوجات خارجی، قوانین سخت بانکی پولی و افزایش ناگهانی قیمت مواد خام، تولید منسوجات در ایران سودآور بود اما زمانی واحدهای نساجی شروع به ترمیم و بازسازی کردند که به تدریج این مشکلات شروع شد و تا جایی پیش رفت که وقتی بازسازی‌ها پایان یافت، بحران صنعت نساجی آنقدر شدید شد که بسیاری از کارخانجات به دلیل کمبود نقدینگی با مشکل خرید مواد خام و فروش محصولات خود مواجه و در نتیجه تعطیل شدند و کارگران آنها بر خیل بیکاران اضافه گشتند.

۵ کارگر در شهرستان سقز به دادگاه احضار شدند

دبیر اجرایی خانه کارگر مهباد گفت: برخی از شرکت‌های پیمانکار نیروی انسانی با بهره‌کشی از کارگران به مقاصد مالی خود رسیده‌اند.

سعید مصطفی نژاد، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: این شرکت‌های پیمانی حق و حقوق قانونی کارگران را از واحدها می‌گیرند و پس از تعدیل، مبلغ بسیار ناچیزی را به آنها می‌دهند.

وی گفت: این شرکت‌های پیمانکار فقط نقش واسطه را دارند و هیچ کار مثبتی در واحدها انجام نمی‌دهند.

دبیر اجرایی خانه کارگر مهباد افزود: جای سوال است که چرا وزارت کار اقدامی جهت ممنوعیت کار این شرکتها انجام نمی‌دهد.

یکی از فعالان کارگری شهرستان سقز گفت: شعبه ۲۰۱ جزایی دادگستری شهر سقز با ارسال احضاریه‌هایی، ۵ نفر از کارگران سقزی به نامهای کامل حکیمی، خالد بیخانی، عطا حسینی، رحیم حسینی و انور حسین زاده را به اتهام اخلاف در نظم عمومی به این شعبه احضار کرد.

به گزارش ایلنا، محمد عبدی پور افزود: این افراد به همراه جمعی دیگر از کارگران سقزی در اردیبهشت ماه سال جاری در اعتراض به دستگیری محمود صالحی تجمع کرده بودند که توسط نیروی انتظامی دستگیر و پس از سیر مراحل قانونی، با قرار وثیقه آزاد شدند.

مصطفی نژاد افزود: کارگران از سر ناچاری به این شرکت‌های پیمانی برای اشتغال مراجعه می‌کنند و اگر واحدها به صورت مستقیم دست به جذب نیرو بزنند، شرکت‌های پیمانکاری عرض اندام نخواهند کرد.

پایان پیام

وی با اشاره به مشکل دستمزد کارگران خباز و خودداری کارفرمایان از اجرای مصوبه شورای عالی کار، گفت: بعضی از کارگران با قیمت‌های توافقی پایین‌تر از این مصوبه کار می‌کنند، زیرا کارفرمایان نانوایی‌ها، قیمت نان را که در سال جاری ۲ تومان افزایش یافت، برای اجرای مصوبه دستمزدها کافی نمی‌دانند.

عبدی پور تصریح کرد: حدود ۰۳ نفر از کارگران خباز طی دادخواست به اداره کار، خواستار اجرای مصوبه دستمزدها شدند. وی افزود: ۲ تن از کارگران به نامهای خالدبیخانی و سید محمد حسینی به علت اعتراض به اجرا نشدن مصوبه دستمزدها اخراج شده‌اند.

عبدی پور گفت: قراردادهای موقت و رعایت نشدن حداقل دستمزدهای تعیین شده، از مشکلات اصلی جامعه کارگری است و باید مسوولان تدبیرهای مناسبی در این رابطه بیندیشند.

پایان پیام

دبیر اجرایی خانه کارگر مهباد

شرکت‌های پیمانکاری با بهره‌کشی از کارگران به مقاصد مالی خود رسیده‌اند

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org